

## معرفی شاپور بختیار به عنوان نخست وزیر

۱۳ مرداد ۱۴۰۳ ساعت ۲۰:۱۱

در بهمن ۱۳۴۰، به دنبال وقایع دانشگاه تهران، به عنوان یکی از سران جبهه ملی به زندان افتاد و مجموعاً شش ماه و نیم در زندان بود. همچنین در چهارم بهمن ۱۳۴۱، به مخالفت با اصول ششگانه پیشنهادی محمدرضا پهلوی دستگیر شد و مدت هفت ماه در زندان به سر برد.

شاپور بختیار در سال ۱۲۹۳ در جنوب غربی ایران و از پدری به نام محمدرضا (معروف به سردار فاتح) و مادری به نام نازیگم به دنیا آمد. خانواده او از طوایف ایل بختیاری بودند. پدر بزرگ مادری بختیار، نجف‌قلی صمصام‌السلطنه، دو بار در ۱۹۱۲ و ۱۹۱۸ به نخست‌وزیری رسیده بود. مادر شاپور بختیار در هفت سالگی او فوت کرد. پدر شاپور بختیار و بسیاری از خوانین ایل بختیاری از نوادگان شخصی به نام حیدر خان هستند که اصالتاً از ایل پاپی ساکن در بخش‌های گرمسیری خوزستان و سردسیری لرستان ساکن هستند و بنا به دلایلی حیدرخان از اطراف اندیمشک به چغاخور چهارمحال و بختیاری مهاجرت کرده بود.

شاپور بختیار تحصیلات دوره ابتدایی را در شهرکرد گذراند و تحصیلات متوسطه را ابتدا در اصفهان و سپس در بیروت به پایان رساند. او مدرک دیپلم خود را از مدرسه فرانسوی بیروت دریافت کرد. آشنایی او با دنیای سیاست و نظریات سوسیال دموکراتها و علاقه به فرهنگ و ادبیات فرانسه خصوصاً شعر از همان دبیرستان فرانسوی شروع شد و تا آخر با او ماند. بختیار قصد داشت بلافاصله بعد از اتمام دبیرستان به پاریس برود اما در ۱۳۱۳ اعدام پدر و ۴ تن از خویشاوندانش به جرم شورش مسلحانه، در جهت سرکوب ایلات توسط رضاشاه چاره‌ای جز بازگشت به ایران برای او باقی نگذاشت.

وی در ۱۳۱۵ به فرانسه رفت و در دانشگاه سوربن ثبت‌نام کرد. در ۱۳۱۸ با مدرک کارشناسی از این دانشگاه فارغ‌التحصیل شد. با شروع جنگ جهانی دوم و اشغال فرانسه تحصیلاتش با وقفه‌ای ۲ ساله روبه‌رو شد. شاپور وارد نهضت مقاومت ملی فرانسه شد و به عنوان یکی از سربازان فرانسه (ارتش سربازان خارجی مقیم فرانسه) در گردان اورلئان در راه آزادی این کشور جنگید. در ۱۳۲۴ دکترای خود را در حقوق و علوم سیاسی از دانشگاه سوربن دریافت کرد. گویا شاپور نخستین بختیاری است که موفق به اخذ مدرک دکترا در این رشته شده‌است. رساله دکترایش درباره رابطه مذهب با قدرت سیاسی در جوامع باستانی (جدایی دین از سیاست) بود. او دو مدرک کارشناسی در زمینه‌های فلسفه و اقتصاد عمومی، نیز دارد.

در اواخر ۱۳۲۹ ش، به تهران احضار و مشاور وزیر کار شد و همزمان با تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت و اوجگیری جریانهای سیاسی، به عضویت حزب ایران درآمد. بختیار در اواخر ۱۳۳۰ ش به معاونت وزارت کار انتخاب شد و در تیرماه ۱۳۳۱ در دولت پنج روزه احمد قوام کفالت وزارت کار را به عهده گرفت. پس از بازگشت مصدق به نخست‌وزیری، بختیار در سمت سابق خود تثبیت شد. پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، از معاونت وزارت کار استعفا کرد و هیچگونه مزاحمتی برای او فراهم نشد.

در بهمن ۱۳۴۰، به دنبال وقایع دانشگاه تهران، به عنوان یکی از سران جبهه ملی به زندان افتاد و مجموعاً شش ماه و نیم در زندان بود. همچنین در چهارم بهمن ۱۳۴۱، به مخالفت با اصول ششگانه پیشنهادی محمدرضا پهلوی دستگیر شد و مدت هفت ماه در زندان به سر برد.

سال‌های بعد از اوت ۱۹۵۳ (۲۸ مرداد ۱۳۳۲)، برای افرادی هم‌چون بختیار سال‌های عذاب آور و شکست‌آمیزی بود و جو مایوس‌کننده‌ای در فضای سیاسی کشور وجود داشت. مصدق زندانی بود و جنبشش منزوی شده بود. بختیار همانند بسیاری دیگر از سران جبهه ملی سعی کرد در این سالها سکوت و احتیاط محتاطانه داشته باشد و در عین حال دشمنی خود با شاه را حفظ کند. تنها فعالیت سیاسی که بختیار در این سالها داشت تحت عنوان جنبش مقاومت ملی و با حضور افرادی چون مهدی بازرگان و سید محمود طالقانی که بعدها از شخصیت‌های کلیدی جمهوری اسلامی گردیدند بود.

بختیار در بخش خصوصی آغاز به کار کرد و مدیر برخی کارخانجات یا مشاور بعضی کارخانجات بزرگ بود. شاه سعی کرد که تلفیقی از سیاست مشارکت دادن جبهه ملی در دولت و کنترل و سرکوب آنها را اتخاذ کند. یکبار شاه در سخنانش به برخی سران جبهه ملی به مانند بختیار به علت همکاری با کمونیست‌ها و مصدق، حمله کرد و گفت که آنها «شامپاین رفاقت» را با تجزیه طلبان آذربایجان خورده‌اند. شاه گرچه این گروه را توبیخ می‌نمود اما اجازه پیدا کردن شغل برای امرار معاش را به این گروه می‌داد. در همین زمان گروهی از جبهه ملی با شاه صلح کرده و مورد عطا و بخشش‌های زیادی قرار گرفتند. به عنوان مثال فریدون مهدوی از سران دوران اولیه جبهه ملی در سال‌های ۱۹۶۰، در اوایل دهه ۱۹۷۰ یکی از اعضا قدرتمند کابینه دولت هویدا گردید.

در جریان انقلاب نام او با امضای نامه سرگشاده به شاه همراه با کریم سنجابی و داریوش فروهر بر سر زبان‌ها افتاد و سرانجام بعد از سقوط دولت ازهارای در شرایطی که انقلاب به روزهای اوج و پیروزی خود نزدیک شده بود و هیچ‌کس از جمله کریم سنجابی، دبیرکل جبهه ملی عنوان نخست‌وزیری را نپذیرفته بود، پیشنهاد شاه برای تشکیل کابینه را البته با شروطی قبول کرد. در اواخر سال ۱۹۷۸ و اوج گیری انقلاب ایران، شاه دستور آزادی بختیار از زندان را صادر کرد و از وی در دیداری خصوصی در کاخ نیاوران تهران خواست که مقام نخست‌وزیری ایران را قبول کند. بختیار با شاه توافق کرد که برای کابینه اش از مجلس سنا رای بگیرد، شاه از کشور خارج شود، ساواک منحل شود، زندانیان سیاسی آزاد شوند و شرایط آزادی مطبوعات فراهم شود. سرانجام بختیار برای «آرام کردن اوضاع» و جلوگیری از اوج گرفتن انقلاب اسلامی مقام نخست‌وزیری را قبول کرد و خود را «مرغ طوفان» نامید. بختیار علیرغم مخالفت جبهه ملی ایران این پست را قبول کرد و به همین علت از جبهه ملی کناره‌گیری کرد. نهایتاً در اوج انقلاب، بختیار به همراه وزرای دولتش از مجلس سنا رای اعتماد گرفت. وی شروطی را برای قبول نخست‌وزیری مطرح کرد که از جمله آن‌ها خروج محمدرضا شاه از ایران و مصادره اموال بنیاد پهلوی به سود دولت بود. در ۲۶ دی ۱۳۵۷ محمدرضا شاه به همراه فرح پهلوی از کشور خارج شد. در آخرین لحظات خروج شاه از ایران بختیار به داخل هواپیمای شاه رفت و به وی اطمینان داد که تمام تلاش خود را برای حفظ کشور به کار بندد.

در این میان تلاش‌های بختیار برای ملاقات با امام (ره) و جلب موافقت ایشان با ابقای دولت خود تا انجام فرآیندوم درباره نظام سیاسی آینده مملکت نتیجه‌ای نبخشید. شرط امام (ره) برای پذیرفتن بختیار استعفای او بود. حساس‌ترین مسئله‌ای که بختیار پس از خروج شاه از ایران با آن رو به رو شد راهپیمایی روز اربعین ۲۹ دی ماه ۱۳۵۷ بود که مردم با تظاهرات میلیونی ضمن مخالفت با دولت بختیار و غیر قانونی دانستن آن خواهان تشکیل جمهوری اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) شدند.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/49740/معرفة-شاہپور-بختیار-عنوان-نخست-وزیر>